

مقایسه تطبیقی جامعیت شاخص‌های اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی و سطح افشاء اطلاعات در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

علی اصغر انواری رستمی*، نجمه حاجیان**، عادل آذر***

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۲/۳۰

چکیده

پژوهش‌های بسیاری در سطح جهان به منظور ایجاد شاخص‌های شفافیت و افشاء و استفاده از چنین شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری میزان شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها صورت گرفته است که منجر به طیف وسیع و متنوعی از شاخص‌ها و مدل‌های شفافیت اطلاعاتی در کشورهای مختلف شده است. هدف این پژوهش مطالعه دقیق و مقایسه تطبیقی این شاخص‌ها و ابعاد و مؤلفه‌های آن‌ها، و ارزیابی گستره و جامعیت این شاخص‌ها در کشورهای مختلف است. در این زمینه پژوهش‌های انجام شده به دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تقسیم شد و سپس برای مقایسه گسترده شاخص‌های شفافیت و افشاء این دو گروه، از آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. همچنین با ایجاد یک ماتریس مفهومی گسترده، ۲۷ بُعد اطلاعاتی اصلی و ۷۷۳ مؤلفه افشاء در مجموع این شاخص‌ها شناسایی شد و با استفاده از آزمون مقایسه میانگین، میزان تمرکز کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر روی این ۲۷ بُعد اطلاعاتی مقایسه شد. همچنین از آزمون یومن-ویتنی برای مقایسه میزان افشاء صورت گرفته توسط شرکت‌ها در این دو گروه کشور استفاده شد. با بررسی ۶۳ مطالعه انجام شده طی سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۲، که بر روی شفافیت اطلاعاتی مجموعاً ۸۰۷۵ سال-شرکت در ۳۱ کشور جهان صورت گرفته است، دریافتیم گرچه شاخص‌های شفافیت در کشورهای در حال توسعه گسترده‌تر است اما عملاً میزان افشاء در کشورهای توسعه یافته بیشتر بوده است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد شرکت‌ها در کشورهای توسعه یافته در زمینه افشاء برخی اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به اهداف و استراتژی‌ها، طرح‌های توسعه، محیط و صنعت فعالیت، و در مقابل کشورهای در حال توسعه در مورد اطلاعات مربوط به انواع ریسک و مدیریت آن، راهبری شرکتی و مسائل اخلاقی، اجتماعی و محیطی، تمرکز بیشتری دارند.

واژه‌های کلیدی: شفافیت اطلاعاتی، افشاء، شاخص اندازه‌گیری شفافیت، مؤلفه‌های افشاء

طبقه بندی موضوعی: M41, N20

* استاد گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، (نویسنده مسئول)، (Anvary@modares. ac. ir)

** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، (Hajian. Najmeh@gmail. com)

*** استاد گروه مدیریت صنعتی دانشگاه تربیت مدرس، (azara@modares. ac. ir)

مقدمه

شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها یکی از سازوکارهای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران است. سرمایه‌گذاران مخاطره ورود سرمایه‌های به زحمت به دست آمده خود را به این بازارها پذیرفته و به اطلاعاتی که از طرف شرکت‌ها منتشر می‌شود و اغلب تحت نظارت مراجع نظارتی بازار سرمایه قرار می‌گیرد، تکیه می‌کنند (خالقی مقدم، ۱۳۸۷). اهمیت افشای مناسب و شفافیت اطلاعات، ضرورت تدوین سیاست‌های مشخص و ساختارهای سازمانی مناسب را برای ارزیابی و بهبود شفافیت توجیه می‌کند. برای تدوین چنین سیاست‌هایی ابتدا لازم است شاخص یا معیاری برای اندازه‌گیری میزان شفافیت اطلاعاتی تدوین شود. با این وجود، پیچیدگی و جوانب مختلف شفافیت باعث شده است سنجش و ارزیابی آن کار بسیار مشکلی باشد.

تحقیقات و فعالیت‌های زیادی در سطح جهان به منظور ایجاد شاخص‌های شفافیت و افشاء و نیز استفاده از چنین شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری سطح افشاء شرکت‌ها صورت گرفته است. نتایج فعالیت‌های انجام شده در این زمینه، چندین مدل ارزیابی و رتبه‌بندی شفافیت اطلاعاتی شرکت‌هاست که توسط سازمان‌ها و نهادهای مختلف و برخی مؤسسات رتبه‌بندی به منظور ایجاد فضای رقابتی سالم بین شرکت‌ها تدوین شده است و با استفاده از این شاخص‌ها به بررسی، ارزیابی و رتبه‌بندی کفایت افشاء و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌پردازند. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به شاخص شفافیت و افشاء مؤسسه استاندارداند پورز، شاخص مؤسسه تحقیقات و مدیریت سرمایه‌گذاری امریکا، شاخص جامع گزارشگری تجاری کمیته جنکینز (کمیته‌ای تخصصی تشکیل شده توسط انجمن حسابداران رسمی آمریکا برای تعیین نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران)، اشاره کرد. همچنین در بسیاری از کشورها، اعم از کشورهای درحال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، محققان با توجه به ساختار، محیط گزارشگری و الزامات افشاء کشور خود اقدام به تدوین مدل ملی خاص آن کشور نموده‌اند. هر کدام از این شاخص‌ها ابعاد، حوزه‌های اطلاعاتی و مؤلفه‌های مختلفی را در این زمینه لحاظ کرده‌اند.

بحران‌های مالی متعدد در دهه‌های اخیر و رسوایی‌های بزرگ مالی همچون رسوایی شرکت انرون، باعث شد اهمیت شفافیت اطلاعاتی بیش از قبل روشن شود (بیلینگ و کاپی، ۲۰۰۹). در بلندمدت، شرط اصلی رونق بازارهای سرمایه، محیط اطلاعاتی شفاف است. شرکت‌هایی که

گزارشگری مالی شفاف و قابل قبولی ندارند، با ریسک تأمین اعتبار مواجه شده و اطمینان سهامداران را از دست می‌دهند. چنین شرایطی در نهایت درجه اعتبار و میزان نقدشوندگی را در بازار سرمایه به شدت کاهش می‌دهد (مدهانی، ۲۰۰۹). با این حال هنوز در ایران شاخص جامعی که شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها را اندازه‌گیری کند و مبنای تصمیم و اعتماد سرمایه‌گذاران قرار گیرد وجود ندارد. مطالعه و بررسی عمیق مدل‌های شفافیت موجود در ادبیات مربوطه، در کشورهای توسعه‌یافته به عنوان الگوی اصلی و در کشورهای در حال توسعه با توجه به وجوه مشترک بیشتر با شرکت‌های ایرانی، یکی از اولین گام‌ها در این جهت است. برای ایجاد بینش لازم در زمینه شفافیت و افشای اطلاعات و جهت‌گیری مناسب به منظور تبیین مفهوم شفافیت اطلاعاتی در محیط گزارشگری ایران و در انتهای این مسیر تدوین یک مدل جامع شفافیت اطلاعاتی ملی، به نظر می‌رسد بررسی مدل‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری شفافیت در سطح دنیا، مؤلفه‌ها و ابعاد موجود در این شاخص‌ها و میزان افشای گزارش شده توسط این شاخص‌ها مفید و روشنگر باشد.

لذا هدف این پژوهش مطالعه دقیق و مقایسه تطبیقی مؤلفه‌ها و ابعاد در نظر گرفته شده در شاخص‌های سنجش شفافیت اطلاعاتی کشورهای مختلف، و ارزیابی گستره و جامعیت این شاخص‌هاست. در این زمینه برای مقایسه جامعیت شاخص‌های شفافیت اطلاعاتی تدوین شده، شاخص‌های موجود در ادبیات مربوطه در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته مقایسه می‌شود. در گام بعدی با توجه به اینکه شفافیت اطلاعاتی یکی از ابزارهای تحقق تقارن اطلاعاتی و کارایی بازار سرمایه و توسعه یافتگی کشور است و با در نظر گرفتن این حقیقت که شرط لازم برای تخصیص بهینه سرمایه بین بنگاه‌های اقتصادی، وجود و افشای اطلاعات قابل اتکا، به موقع و در دسترس همگان است، به بررسی میزان شفافیت اطلاعاتی محاسبه و گزارش شده در ادبیات موجود برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با وجود اینکه واژه شفافیت در سیستم‌های افشای اطلاعات مالی و غیر مالی و نیز در استانداردهای حسابداری کاربرد فراوان دارد، ولی برای این واژه تعریف مشترکی که همگان در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند وجود ندارد. به عنوان نمونه ویش واناث و کافمن (۱۹۹۹) و

کافمن (۲۰۰۲) برای تعریف این واژه بر ذینفعان اطلاعات تاکید دارند و شفافیت را افزایش جریان به موقع و قابل اتکای اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذینفعان مربوط باشد تعریف کرده‌اند. در تعریف فلورینی (۲۰۰۲) از شفافیت، پاسخگویی بر جسته‌تر شده است. وی شفافیت را به عنوان افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها که برای ارزیابی آن‌ها مربوط باشد تعریف کرده است. کُهلر (۱۹۸۳) شفافیت را در حسابداری چنین تعریف می‌کند: نمایش واضح یک واقعیت یا یک وضعیت در ترازنامه و یا صورت مالی دیگر و یا یادداشتهای همراه آنها و یا در گزارش حسابرسی.

صرفنظر از تعریف این واژه گسترده، پژوهشگران بسیاری در سراسر جهان سعی در اندازه‌گیری این مفهوم به شیوه‌ها و در قالب‌های مختلف کرده‌اند. ابعادی که محققان برای شاخص‌های اندازه‌گیری میزان شفافیت اطلاعاتی و افشاء اطلاعات استفاده کرده‌اند در یک نگاه کلی شامل افشاء اطلاعات مالی و غیر مالی شرکت‌ها است، با این حال در پژوهش‌های مختلف، گستره این اطلاعات و نیز ابعاد، گروه‌ها و مؤلفه‌های مختلفی برای تعریف و اندازه‌گیری سطح افشاء و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها انتخاب و استفاده شده است. در حالی که برخی محققان از جمله پاتن و زلنکا (۱۹۹۷)، اوسو آناش (۱۹۹۸)، والاس و ناصر (۱۹۹۵)، چن و جاگی (۲۰۰۰)، دامنه شفافیت و افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها را محدود به اطلاعات اجباری و الزامی توسط نهادهای قانون‌گذار و قوانین مربوطه دانسته‌اند و شاخص شفافیت اطلاعاتی را محدود به این نوع اطلاعات کرده‌اند، پژوهشگران دیگری از جمله حسین و همکاران (۱۹۹۴)، رافونیر (۱۹۹۵)، فرت (۱۹۸۴)، دیپورس (۲۰۰۰)، هو و وانگ (۲۰۰۱)، فرگوسن و همکاران (۲۰۰۲)، کاهان و همکاران (۲۰۰۵)، حسین و ریاض (۲۰۰۷)، اختارودین و همکاران (۲۰۰۹)، آریزا (۲۰۱۲) و بسیاری دیگر از پژوهشگران با این استدلال که میزان افشای اطلاعات اختیاری است که می‌تواند سطح شفافیت اطلاعاتی یک شرکت را نشان دهد، شاخص‌هایی شامل مؤلفه‌های اطلاعاتی اختیاری تعریف و تدوین کرده‌اند. در دسته‌ای دیگر از تحقیقات، با نگاهی وسیع‌تر به مفهوم افشاء روبرو می‌شویم. در این تحقیقات، شاخص‌های اندازه‌گیری سطح شفافیت اطلاعاتی، هم اطلاعات اجباری و هم اطلاعات اختیاری را در بر می‌گیرد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کوک (۱۹۸۹)، کوک (۱۹۹۲)، مالون و همکاران (۱۹۹۳)، گینر (۱۹۹۷)، والاس و ناصر (۱۹۹۵)، جاگی و لا (۲۰۰۰) اشاره کرد.

نحوه تعیین مؤلفه‌های افشاء در شاخص‌های شفافیت

پژوهشگران برای اندازه‌گیری سطح افشاء و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های موجود در نمونه انتخابی به طور کلی از دو روش استفاده کرده‌اند. روش اول استفاده از معیارها و شاخص‌های اندازه‌گیری سطح افشاء که توسط مؤسسات تخصصی یا سایر محققان تدوین شده است. در روش دوم محقق با استفاده از یک معیار خود ساخته، دست به اندازه‌گیری سطح افشای شرکت‌ها نموده است که تدوین این معیار خودساخته، خود به روش‌های مختلفی انجام شده است. هیلپو و پالپو (۲۰۰۱) معتقدند هر کدام از این دو رویکرد محدودیت‌های خاص خود را دارد.

برخی از پژوهشگران که از رتبه‌های افشای اعلام شده موجود توسط مؤسسات پیشرو در این زمینه استفاده کرده‌اند شامل یو (۲۰۰۵) لانگ و لاند هولم (۱۹۹۳ و ۱۹۹۶)، سنگوپتا (۱۹۹۸)، بوشی و نو (۲۰۰۰) هستند که از شاخص مؤسسه تحقیقات و مدیریت سرمایه‌گذاری استفاده کرده‌اند. این مؤسسه تا سال ۱۹۹۶ فعال بوده و شرکت‌ها را بر اساس افشای اطلاعات اختیاری برای صنایع مختلف رتبه‌بندی می‌کرد. شاخص این مؤسسه شامل ۸۶ مؤلفه افشاء در گروه‌های موارد با اهمیت مالی، تجزیه و تحلیل‌های مدیریت، اطلاعات در مورد مدیران و اعضای هیأت مدیره، بیانیه اهداف شرکت، گزارشگری بخش‌ها و غیره است. این درحالی‌است که برخی محققان دیگر به این روش انتقاداتی وارد می‌کنند از جمله بوتوسان (۱۹۹۷) اعتقاد دارد گرچه مؤسسه تحقیقات و مدیریت سرمایه‌گذاری یک سری زمانی نسبتاً طولانی از رتبه‌های افشای طیف وسیعی از صنایع ارائه می‌دهد اما نمونه این مؤسسه محدود به بزرگترین و پرمسرمایه‌ترین شرکت‌ها در هر صنعت است و به نظر نمی‌رسد استفاده از داده‌های این مؤسسه شرط پراکندگی مقطعی کافی در سطوح افشاء نمونه شرکت‌ها را برآورده کند. تعداد زیاد دیگری از پژوهشگران از شاخص‌های قبلی موجود در ادبیات برای اندازه‌گیری سطح افشاء نمونه شرکت‌های انتخابی در تحقیق خود استفاده کرده‌اند. از جمله این نمونه‌ها می‌توان به سینگوی (۱۹۶۸)، سینگوی و دسای (۱۹۷۱) که برای اندازه‌گیری سطح افشاء از شاخص موزون تدوین شده توسط سرف (۱۹۶۱) استفاده کردند، چن و جاگی (۲۰۰۰) از شاخص والاس و ناصر (۱۹۹۵) بهره بردند، اشاره کرد. همچنین چن و همکاران (۲۰۰۷)، آکسو و کسداگ (۲۰۰۵)، خالقی مقدم و خالقی (۱۳۸۷)، الله داد (۱۳۸۸)، از شاخص شفافیت و افشاء مؤسسه استانداردارداند پورز استفاده کردند، یورکوئیزا و همکارانش (۲۰۱۰) از ترکیب شاخص شفافیت اطلاعاتی و افشاء مؤسسه

استاندارداند پورز و انجمن تحقیقات و مدیریت سرمایه‌گذاری استفاده کرده و کاهان و همکارانش در سال ۲۰۰۵ شاخص بوتوسان (۱۹۹۷) را به کار بردند.

برخی محققان با نگاهی دقیق‌تر به بررسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های مختلف موجود در ادبیات اقدام به تدوین شاخصی جامع‌تر برای اندازه‌گیری سطح افشاء شرکت‌ها نمودند. به عنوان مثال بوتوسان (۱۹۹۷) در پژوهش خود که برنده مقاله سال ۱۹۹۶ انجمن حسابداری امریکا شد، تعیین مؤلفه‌های مورد نیاز و تدوین شاخص شفافیت و افشاء مورد نظرش را به این شرح توصیف می‌کند که برای تدوین یک شاخص خود ساخته برای تعیین مؤلفه‌های شاخص از گزارش کمیته جنکینز انجمن حسابداران خیره امریکا (۱۹۹۴)، پرسشنامه بین‌المللی SRI برای تعیین نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران (۱۹۸۷)، گزارش سالانه انجمن حسابداران خیره کانادا (۱۹۹۱)، گزارش‌های کمیته اطلاعات شرکتی مؤسسه تحقیقات و مدیریت سرمایه‌گذاری، فرم رتبه‌بندی زیرکمیته صنعت ماشین‌آلات این مؤسسه، مصاحبه با اعضای این کمیته و برخی تحقیقات پیشین استفاده کرده است.

برخی از محققان بعد از تشخیص مؤلفه‌های افشاء، اقدام به نظرسنجی از استفاده‌کنندگان از اطلاعات و خبرگان برای حذف یا اضافه کردن مؤلفه‌ها و یا برای تعیین درجه اهمیت هر مؤلفه و وزن‌گذاری شاخص نموده‌اند. به عنوان مثال باراکو (۲۰۰۷) با مطالعه وسیع شاخص‌های افشای موجود در ادبیات لیستی از مؤلفه‌ها تهیه کرده و مؤلفه‌هایی که بیش از یکبار در ادبیات تکرار شده است را به عنوان مؤلفه‌های افشای شاخص خود انتخاب کرد (این روش در تحقیقات فریر و مت (۱۹۸۶) و حسین و همکاران (۱۹۹۴) نیز استفاده شد). سپس برای تعیین وزن و اهمیت هر مؤلفه از دیدگاه استفاده‌کنندگان از اطلاعات افشایی شرکت‌ها، از نظرات کارمندان اعطای وام در بانک کنیا بهره گرفت. هو و ونگ (۲۰۰۱) نیز پس از تعیین لیست مؤلفه‌ها با استفاده از ادبیات، برای حذف مؤلفه‌های بی‌اهمیت و تعیین وزن مؤلفه‌ها از طیف لیکرت و از نظرات تحلیلگران مالی استفاده کرد. روش مشابهی برای تعیین وزن و اهمیت هر مؤلفه توسط ناصر و نسیه (۲۰۰۳)، فرت (۱۹۷۸)، بازبی (۱۹۷۵)، سرف (۱۹۶۱) سینگوی و دسای (۱۹۷۱) و استانگا (۱۹۷۶) استفاده شد.

هیلی و پالپو (۲۰۰۱) معتقدند مطالعاتی که شاخص‌های اندازه‌گیری خود ساخته داشته‌اند با مجموعه متفاوتی از مشکلات روبرو بوده‌اند. از آنجا که محققان معیار خود را برای افشای اختیاری تدوین کرده‌اند، این اعتماد که اندازه‌گیری به درستی آنچه در نظر داشته را اندازه گرفته است، افزایش می‌یابد، با این حال به همان اندازه که ایجاد معیارها شامل قضاوت‌هایی از طرف محققان است، نتایج ممکن است سخت‌تر قابل تکرار باشد. رتبه بندی تحلیلگران بر اساس معیارهای خود ساخته احتمال دارد که اندازه‌گیری نامناسبی از افشاء ارائه کند. این موضوع ممکن است قدرت آزمون‌هایی که برای بررسی انگیزه‌ها برای افشای اختیاری استفاده می‌شود را کاهش دهد.

ابعاد و حوزه‌های اطلاعاتی در شاخص‌های شفافیت

شاخص‌های مختلف تدوین شده در سطح جهان برای تعیین سطح افشاء و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها، ابعاد، مؤلفه‌ها و گروه‌های اطلاعاتی مختلفی را در نظر گرفته‌اند و از ابعاد مختلف به اطلاعات نگاه کرده‌اند. افشاء اطلاعات مربوط به عملکرد مالی ابتدایی‌ترین گروه اطلاعات است که تقریباً همه تحقیقات بررسی شده آن را در شاخص شفافیت اطلاعاتی خود گنجانده‌اند، گروه بعدی اطلاعات که بیشتر شاخص‌های افشاء به آن پرداخته‌اند شامل اطلاعات مربوط به اعضای هیأت مدیره شرکت، اهداف و استراتژی‌های شرکت، ساختار مالکیت، اطلاعات راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت است. تعداد کمی از تحقیقات نیز به اطلاعات مربوط به ریسک‌های موجود و روش‌های اخذ شده در جهت مدیریت ریسک، اطلاعات مربوط به معاملات ارزی و تسعیر ارز و اطلاعات مربوط به ادغام و تملک پرداخته‌اند. طبقه‌بندی جامعی در نگاره (۱) ارائه شده که در بخش‌های بعدی مقاله به آن پرداخته می‌شود.

نگاره (۱): ابعاد اطلاعاتی شناسایی شده موجود در شاخص‌های شفافیت

میانگین تعداد مؤلفه در کشورهای در حال توسعه	میانگین تعداد مؤلفه در کشورهای توسعه یافته	ابعاد و گروه‌ها	
۱/۰۳	۰/۸۷۵	اطلاعات کلی در مورد شرکت	۱
۱/۱۳	۲/۶۸	اطلاعات در مورد اهداف و استراتژی‌ها	۲
۲/۶۶	۴/۴	اطلاعات در مورد وضعیت رقابتی و بازارها	۳
۱/۵۳	۰/۹۳	اطلاعات در مورد منابع انسانی	۴

میانگین تعداد مؤلفه در کشورهای توسعه یافته	میانگین تعداد مؤلفه در کشورهای در حال توسعه	ابعاد و گروه‌ها	
۵/۷	۳/۶۲	اطلاعات مربوط به سهام و سهامداران	۵
۲/۲۳	۱/۹۶	اطلاعات مربوط به اعضای هیات مدیره، مدیرعامل و مدیران ارشد	۶
۱/۵۳	۰/۸۱	اطلاعات مربوط به پرداخت‌ها و پاداش‌های هیات مدیره	۷
۱/۰۶	۲/۳۷	اطلاعات مربوط به جلسات هیات مدیره و مجامع سهامداران	۸
۱/۶	۴/۷۵	افشای درست و کامل اقلام ترازنامه	۹
۱/۲۶	۱/۲۵	اطلاعات مربوط به تولید و فروش	۱۰
۱/۲۷	۱/۵۳	اطلاعات مربوط به سود و عملکرد	۱۱
۲/۲۳	۲/۲۲	ارائه نسبتها و شاخصهای مالی	۱۲
۱/۲۷	۱/۱۹	افشاء اصول و رویه‌های حسابداری	۱۳
۱/۳۰	۱/۹۷	افشاء چشم انداز مالی و پیش بینی‌ها	۱۴
۰/۸۷	۱/۱۳	اطلاعات تاریخی و بحث و تجزیه و تحلیل	۱۵
۱/۳۷	۲/۵۶	اطلاعات مربوط به هزینه‌های سرمایه‌ای و طرح‌های توسعه	۱۶
۰/۸۷	۰/۶۹	اطلاعات مربوط به انواع ریسک و مدیریت آن	۱۷
۰/۲۰	۰/۸۴	اطلاعات مربوط به ارزش‌های خارجی و نرخ تسعیر	۱۸
۰/۱۰	۰/۴۴	اطلاعات مربوط به محصولات جدید	۱۹
۰/۵۰	۱/۰۶	اطلاعات بازار سهام	۲۰
۰/۱۰	۱/۰۰	افشاء و طبقه بندی کامل هزینه‌ها	۲۱
۰/۰۰	۰/۴۴	اطلاعات مربوط به ابزارهای مالی و تامین مالی خارج از ترازنامه	۲۲
۳/۷۳	۲/۳۱	اطلاعات مربوط به راهبری شرکتی و مسائل نظارتی	۲۳
۱/۹۰	۱/۰۶	اطلاعات مربوط به مسائل اخلاقی، اجتماعی و محیطی	۲۴
۱/۴۷	۱/۳۴	ویژگی‌های اطلاعات و نحوه ارائه	۲۵
۱/۱۳	۲/۳۴	اطلاعات مربوط به محیط و صنعت فعالیت	۲۶
۰/۶۰	۱/۰۹	اطلاعات شرکت‌های فرعی و وابسته	۲۷

وزن مؤلفه‌های افشاء در شاخص‌های شفافیت

در زمینه شاخص‌های افشاء موضوع موزون یا غیر موزون بودن شاخص و در صورت انتخاب شاخص موزون، نحوه تعیین اهمیت مؤلفه‌ها توسط خود تحلیل‌گر و یا استفاده از نظرات افراد خارجی از جمله تحلیل‌گران مالی و کارمندان اعطای تسهیلات بانکی، همیشه بحث‌برانگیز بوده است (باراکو، ۲۰۰۷). برخی محققان از شاخص‌های شفافیت و افشاء موزون استفاده کرده‌اند (به عنوان مثال بوتوسان (۱۹۹۷)، بازبی (۱۹۷۴)، چوی (۱۹۷۳)، فریر و مت (۱۹۸۶)، فرت (۱۹۸۴)، هو و ونگ (۲۰۰۱) و گینر (۱۹۹۷)). برخی دیگر از محققان اهمیت و وزن همه مؤلفه‌ها را برابر فرض کرده و از شاخص‌های بدون وزن برای سنجش شفافیت و سطح افشاء شرکت‌ها استفاده کرده‌اند (به عنوان مثال رافونیر (۱۹۹۵)، حسین و همکاران (۱۹۹۴)، کوک (۱۹۹۲)، حنیفا و کوک (۲۰۰۲)، فرگوسن و همکاران (۲۰۰۲)). اساس روش غیر موزون این است که تمام مؤلفه‌های موجود در مدل از اهمیت یکسانی برای میانگین استفاده‌کنندگان برخوردارند (چو و وانگ بون (۱۹۸۷)).

هر دو روش موزون و غیر موزون کاستی‌هایی دارند. شاخص‌های موزون تحت تأثیر داوری، تعصب و گرایش‌های استفاده‌کنندگان خاص هستند. از طرفی شاخص‌های غیر موزون از این نظر که اهمیت همه مؤلفه‌ها را یکسان در نظر می‌گیرند مورد انتقادند (باراکو، ۲۰۰۷). با این حال طرفداران این روش معتقدند شاخص بدون وزن روی میزان نسبی افشاء تمرکز می‌کند به جای اینکه ذهنیت استفاده‌کنندگان از فایده نسبی هر مؤلفه را در وزن دخالت دهد (کوک، ۱۹۸۹). به عبارتی مزیت مشخص روش غیر موزون این است که تحلیلی مستقل از درک و احساس گروه استفاده‌کننده خاص ارائه می‌دهد. (چو و وانگ بون (۱۹۸۷)).

از طرف دیگر طرفداران روش موزون معتقدند در این روش هم نمره و هم اهمیت مؤلفه مشخص می‌شود (رابین و آستین، ۱۹۸۶) در حالی که مخالفان روش موزون استدلال می‌کنند که وزن دادن نمی‌تواند به طور با اهمیتی نتایج را اصلاح کند (والاس و ناصر، ۱۹۹۵؛ چو و ونگ، ۱۹۸۷). با این حال در واقع اکثر نویسندگان به علت ذهنی یا فردی بودن که شاخص‌های موزون دارند، شاخص‌های غیر موزون را استفاده می‌کنند (یورکویزا، ۲۰۱۰ به نقل از احمد و کورتیز ۱۹۹۹)

برخی دیگر از پژوهشگران نیز از هر دو روش استفاده کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند نتایج حاصل از شاخص‌های موزون و غیرموزون یا بسیار کم بوده و یا تفاوتی مشاهده نشده است. از جمله این پژوهشگران می‌توان به باراکو (۲۰۰۷)، چو (۱۹۸۷)، رابین (۱۹۸۶)، ناصر و نسیبه (۲۰۰۳)، چو و ونگ بون (۱۹۸۷)، زارزسکی (۱۹۹۶) اشاره کرد. بوخ و همکاران (۲۰۰۵) و فرت (۱۹۷۹) معتقدند دلیل یکسانی نتایج حاصل از شاخص‌های موزون و غیرموزون این است که یک لسیت گسترده از موارد افشاء منجر به یک تساوی تدریجی می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

همانطور که گفته شد پژوهش‌های بسیاری در سطح جهان برای تعیین میزان شفافیت و سطح افشاء اطلاعات شرکت‌ها انجام شده است. برای ایجاد ابزاری بدین منظور، شاخص‌ها و مدل‌های سنجش، اندازه‌گیری و رتبه‌بندی سطح افشاء و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها توسط محققان و مؤسسات تحقیقاتی و رتبه‌بندی مختلف تدوین و استفاده شده است. با بررسی این شاخص‌ها در سطح جهان می‌توان گفت هر کدام از آن‌ها، به برخی ابعاد و جنبه‌های مختلفی از افشاء توجه کرده و از زاویه‌ای خاص به موضوع نگریسته‌اند. برخی از شاخص‌ها نگاهی کلی به موضوع دارند در حالی که برخی دیگر جامع‌تر بوده و ابعاد بیشتری را در بر گرفته‌اند. با توجه به پیشرو بودن کشورهای توسعه‌یافته در زمینه‌های مختلف، به نظر می‌رسد شاخص‌های تدوین شده توسط مؤسسات موجود در این کشورها و محققان این نوع کشورها، جامع‌تر و گسترده‌تر باشد. همچنین شاخص‌های افشاء شامل گروه‌ها و ابعاد مختلف اطلاعاتی هستند و میزان تمرکز شاخص‌ها روی هر کدام از ابعاد و گروه‌های اطلاعات متفاوت است. در این پژوهش که به مطالعه تطبیقی ادبیات افشاء در سطح جهان می‌پردازد، به منظور بررسی دقیق شاخص‌های افشای طراحی شده در کشورهای مختلف، بررسی میزان گستردگی و نیز تمرکز این شاخص‌ها بر ابعاد مختلف اطلاعات، فرضیه اول و دوم تحقیق به شرح زیر تدوین شده است.

فرضیه اول: میزان گستردگی شاخص‌های شفافیت و افشاء اطلاعات در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از کشورهای در حال توسعه است.

فرضیه دوم: میزان تمرکز شاخص‌های شفافیت و افشاء اطلاعات بر ابعاد اطلاعاتی در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه تفاوت معنی‌داری دارد.

گفتنی است به منظور آزمون فرضیه دوم، طی یک مطالعه گسترده و تهیه یک ماتریس مفهومی، ابعاد مختلف اطلاعاتی موجود در شاخص‌های شفافیت و افشاء شناسایی و سپس فرضیه فوق برای هر یک از این ابعاد آزمون می‌شود.

از جمله مواردی که در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تفاوت‌های اساسی ایجاد می‌کند کارایی اطلاعاتی و میزان افشای اطلاعات با اهمیت و مفید در تصمیم‌گیری‌هاست. در این میان کشورهای توسعه یافته با ایجاد پایگاه‌های عظیم و در اختیار داشتن فن‌آوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات عملاً نبض اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در اختیار گرفته‌اند. اقتصاد اطلاعات در کشورهای در حال توسعه نقش کم‌رنگی در توسعه اقتصادی، فرهنگی و غیره دارد (سرپرست، ۱۳۸۵). لذا به نظر می‌رسد یکی از عواملی که شکاف موجود بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته را به خصوص در زمینه تأمین سرمایه تفسیر می‌کند ضعف در افشای اطلاعات و شفافیت پایین اطلاعاتی در کشورهای در حال توسعه باشد. لذا فرضیه سوم تحقیق به این شرح تدوین شده است.

فرضیه سوم: سطح افشاء اطلاعات توسط شرکت‌ها در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه بیشتر است.

برای تعیین سطح افشاء اطلاعات در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، از میانگین نمرات افشای اندازه‌گیری شده توسط محققان که با استفاده از شاخص‌های اندازه‌گیری سطح افشاء و شفافیت اطلاعاتی محاسبه شده است، استفاده می‌شود.

جامعه آماری

تحقیق حاضر به مقایسه تطبیقی شاخص‌های شفافیت موجود در ادبیات افشاء در سطح جهان می‌پردازد. لذا نمونه‌ای شامل تحقیقات انجام شده در زمینه شفافیت اطلاعاتی و افشاء اطلاعات که منجر به شاخصی برای اندازه‌گیری این مفهوم شده‌اند و یا از شاخص‌های افشای و شفافیت استفاده کرده‌اند، انتخاب شده است. این نمونه شامل ۶۳ مطالعه انجام شده در این زمینه که طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۲ صورت گرفته است، می‌شود. مطالعات و شاخص‌های بررسی شده در این تحقیق، بر روی شفافیت اطلاعاتی مجموعاً ۸۰۷۵ سال-شرکت در ۳۱ کشور جهان صورت

گرفته که حجم وسیعی از اطلاعات را در بر گرفته است. لیست ۶۳ تحقیق استفاده شده در آزمون فرضیه‌ها همراه با نام کشور مورد بررسی در پژوهش و تعداد مؤلفه موجود در شاخص، در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): لیست تحقیقات استفاده شده در آزمون فرضیه‌ها

تعداد مؤلفه	کشور مورد تحقیق	محقق	تعداد مؤلفه	کشور مورد تحقیق	محقق	تعداد مؤلفه	کشور مورد تحقیق	محقق
۲۷۰	تایلند	کریگ و دیگا (۱۹۹۸)	۶۵	هندوستان	حسین و ریاض (۲۰۰۷)	۹۴	بنگلادش	احمد و نیکلاس ۱۹۹۴
۱۶۵	ژاپن	کوک (۱۹۹۲)	۴۴	قطر	حسین و همای (۲۰۰۹)	۱۸	اسپانیا	اسپینوسا و ترومیتا (۲۰۰۷)
۱۹۵	ژاپن	کوک (۱۹۹۳)	۹۵	نیوزلند	حسین و همکاران (۱۹۹۵)	۷۰	امارات متحده عربی	الجفری و حسینی (۲۰۰۷)
۹۳	هلند	کوک و کافمن (۲۰۰۲)	۱۸	نیوزلند	حسین و همکاران (۲۰۰۵)	۲۰	عربستان سعودی	السعید (۲۰۰۶)
۹۳	انگلستان	کوک و کافمن (۲۰۰۲)	۶۵	مالزی	حنیفا و کوک (۲۰۰۲)	۴۲	سنگاپور	انگ و مک (۲۰۰۳)
۷۱	اسپانیا	گارسیا و مارتینز (۲۰۰۵)	۶۵	فرانسه	دپرس (۲۰۰۰)	۵۰	اسپانیا	اینجاستی (۱۹۹۷)
			۵۰	ایرلند	دونلی و مالکاهی (۲۰۰۸)	۱۶۰	بنگلادش	آختارودین (۲۰۰۵)
۷۲	یونان	لوتیس و ویتمن (۲۰۰۴)	۳۰	سوئیس	رافونیر (۱۹۹۵)	۷۴	مالزی	آختارودین و همکاران (۲۰۰۹)
۳۴	تایوان	لی (۲۰۱۲)	۵۲	هنگ کنگ	زارزسکی (۱۹۹۶)	۱۰۶	ترکیه	آکسو و کسداگ (۲۰۰۶)

محقق	کشور مورد تحقیق	تعداد مؤلفه	محقق	کشور مورد تحقیق	تعداد مؤلفه	محقق	کشور مورد تحقیق	تعداد مؤلفه
آوسو آناش (۱۹۹۸)	زیمبابوه	۲۱۴	زارزسکی (۱۹۹۶)	فرانسه	۵۲	مخیجا (۲۰۰۴)	چک	۳۷
باراکو (۲۰۰۷)	کنیا	۴۷	زارزسکی (۱۹۹۶)	آلمان	۵۲	ملون و همکاران (۱۹۹۳)	امریکا	۱۲۹
بازبی (۱۹۷۵)	امریکا	۳۹	زارزسکی (۱۹۹۶)	ژاپن	۵۲	میک و همکاران (۱۹۹۵)	امریکا	۸۵
			زارزسکی (۱۹۹۶)	نروژ	۵۲	میک و همکاران (۱۹۹۵)	انگلیس	۸۵
پوتوسان (۱۹۹۷)	امریکا	۶۳	زارزسکی (۱۹۹۶)	انگلیس	۵۲	میک و همکاران (۱۹۹۵)	فرانسه - آلمان - هلند	۸۵
بوجاکی و مک کونومی (۲۰۰۲)	کانادا	۲۵	زارزسکی (۱۹۹۶)	امریکا	۵۲	نازلی و همکاران (۲۰۰۶)	مالزی	۵۳
چی (۲۰۰۹)	تایوان	۸۸	زایو و همکاران (۲۰۰۴)	چین	۸۲	ناصر و نسیمه (۲۰۰۳)	عربستان	۵۳
پرینسپ (۲۰۰۴)	ایتالیا	۹	سینگوی و دسای (۱۹۷۱)	امریکا	۳۴	ناصر و همکاران (۲۰۰۲)	اردن	۸۶
تورنت و آریزا (۲۰۱۲)	مکزیک	۴۱	فرت (۱۹۸۴)	انگلیس	۴۸	هو و ونگ (۲۰۰۱)	هنگ کنگ	۲۰
تورنت و آریزا (۲۰۱۲)	اسپانیا	۴۱	کریگ و دیگا (۱۹۹۸)	اندونزی	۲۷۰	والاس و ناصر (۱۹۹۵)	هنگ کنگ	۱۴۲
چاو و گری (۲۰۰۲)	سنگاپور	۱۰۴	کریگ و دیگا (۱۹۹۸)	مالزی	۲۷۰	ولکر (۱۹۹۵)	امریکا	۸۶
چاو و گری (۲۰۰۲)	هنگ کنگ	۱۰۸	کریگ و دیگا (۱۹۹۸)	فیلیپین	۲۷۰	ونگ و همکاران (۲۰۰۸)	چین	۷۹
چو و ونگ (۱۹۸۷)	مکزیک	۲۴	کریگ و دیگا (۱۹۹۸)	سنگاپور				

در صورت نیاز می‌توانید لیست عنوان مقاله و مجلات مربوط به این تحقیق‌ها را از نگارنده دریافت کنید.

روش انجام پژوهش و آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول

در فرضیه اول، میزان گستردگی شاخص‌های شفافیت و افشاء اطلاعات در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه مقایسه می‌شود. تعداد مؤلفه‌های اطلاعاتی موجود در هر شاخص به عنوان نماینده گستردگی شاخص‌های شفافیت و افشاء انتخاب شد. سپس میانگین این متغیر برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، با استفاده از آزمون t مستقل، مقایسه شد.

فرضیه دوم

در فرضیه دوم به دنبال بررسی میزان تمرکز این شاخص‌ها بر ابعاد اطلاعاتی مختلف در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه هستیم. برای آزمون این فرضیه ابعاد اطلاعاتی در نظر گرفته شده در شاخص‌های مختلف را بررسی کردیم. با توجه به اینکه هر شاخص ابعاد متفاوتی را معرفی کرده است و در تحقیقات مختلف مؤلفه‌های مشابه تحت نام بُعد‌های مختلف طبقه‌بندی شده‌اند و یا بُعد‌های یکسان در دو تحقیق شامل مؤلفه‌های متفاوتی هستند، نمی‌توان از ابعاد یا گروه‌بندی‌های موجود عنوان شده در خود تحقیقات استفاده کرد زیرا همگن نیستند و آزمون بر اساس آن‌ها منجر به نتایج نادرستی می‌شود. برای رفع این مشکل اقدام به همگن سازی گروه‌ها و ابعاد شد. لذا در یک مطالعه گسترده، مقایسه تطبیقی بین لیست مؤلفه‌های هر شاخص انجام شد. با استفاده از روش نظریه گرافی، تعداد ۷۷۳ مؤلفه افشاء در ۲۷ بُعد شناسایی شد. سپس فرضیه دوم برای هر کدام از این ۲۷ بُعد به صورت جداگانه آزمون شد. به عنوان مثال یکی از ابعاد موجود، "اطلاعات در مورد اهداف و استراتژی‌های شرکت" است. برای آزمون فرضیه دوم در مورد این بُعد، با استفاده از آزمون t مستقل، میانگین تعداد مؤلفه موجود در بُعد "اطلاعات در مورد اهداف و استراتژی‌ها" در شاخص‌های تدوین شده در کشورهای در حال توسعه با میانگین تعداد مؤلفه در این بُعد در شاخص‌های تدوین شده در کشورهای توسعه‌یافته مقایسه شد تا مشخص شود کدام دسته از کشورها در شاخص شفافیت و افشاء خود بیشتر بر بُعد "اطلاعات در مورد اهداف و استراتژی‌ها" تأکید و تمرکز می‌کنند.

در نگاره ۱، عنوان ۲۷ بُعد شناسایی شده در شاخص‌های شفافیت و افشاء و میانگین تعداد مؤلفه در هر بُعد در شاخص‌های شفافیت کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه آورده شده است.

فرضیه سوم

فرضیه سوم به دنبال بررسی میزان افشای صورت گرفته توسط شرکت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است. میزان افشاء در واقع توسط شاخص‌های اندازه‌گیری شفافیت و افشاء در هر کدام از این کشورها توسط محقق مربوطه اندازه گرفته شده است. در برخی تحقیقات، نویسندگان میانگین نمره افشای شرکت‌ها را که با استفاده از شاخص شفافیت اندازه‌گیری کرده، اعلام نکرده است. به همین دلیل برای انجام این آزمون تعداد داده‌ها در هر گروه از کشورها به کمتر از ۳۰ عدد تنزل یافت و لذا از آزمون یومن ویتنی برای مقایسه میانگین سطح افشاء استفاده شد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

مقایسه گستردگی شاخص‌های افشاء

در فرضیه اول، میزان گستردگی شاخص‌های شفافیت و افشاء اطلاعات در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه مقایسه شد. نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین گستردگی شاخص‌های شفافیت و افشاء در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد. با این حال برخلاف فرضیه اول، گستردگی شاخص‌های شفافیت و افشاء در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای توسعه‌یافته است و فرضیه اول تأیید نمی‌شود. این موضوع نشان می‌دهد محققان در این کشورها ابعاد و مؤلفه‌های بیشتری را برای اندازه‌گیری سطح افشاء و شفافیت در شاخص‌های خود لحاظ می‌کنند و شاخص‌های شفافیت طراحی شده در این دسته از کشورها گسترده‌تر از شاخص‌های کشورهای توسعه‌یافته است.

نگاره (۳): آزمون تفاوت میزان گستردگی شاخص‌های شفافیت و افشاء

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۷	۷/۹۱۳	۳۳/۴۴	۶۳/۱۳	کشورهای توسعه‌یافته
		۸۳/۴۹	۱۰۹/۸۴	کشورهای در حال توسعه

مقایسه تمرکز شاخص‌ها بر ابعاد اطلاعاتی

در فرضیه دوم برای بررسی میزان تمرکز شاخص‌های شفافیت و افشاء اطلاعات بر ابعاد اطلاعاتی مختلف در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه، آزمون مقایسه میانگین t مستقل برای هر کدام از ۲۷ بُعد شناسایی شده ارائه شده در نگاره ۱ انجام شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد تمرکز روی ۹ بُعد اطلاعاتی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، تفاوت معنی‌داری دارد. لذا فرضیه دوم، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در مورد ۹ بُعد اطلاعاتی تأیید و در مورد ۱۸ بُعد اطلاعاتی دیگر رد شد. از این ۹ بُعد اطلاعاتی، در ۶ بُعد "اطلاعات در مورد اهداف و استراتژی‌ها"، "اطلاعات مربوط به جلسات هیأت مدیره و مجامع سهامداران"، "افشای درست و کامل اقلام ترازنامه"، "اطلاعات تاریخی و بحث و تجزیه و تحلیل"، "اطلاعات مربوط به هزینه‌های سرمایه‌ای و طرح‌های توسعه" و "اطلاعات مربوط به محیط و صنعت فعالیت"، کشورهای توسعه‌یافته تمرکز بالاتر داشته و در ۳ بُعد "اطلاعات مربوط به انواع ریسک و مدیریت آن"، "اطلاعات مربوط به راهبری شرکتی و مسائل نظارتی" و "اطلاعات مربوط به مسائل اخلاقی، اجتماعی و محیطی"، کشورهای در حال توسعه تأکید و تمرکز بیشتری بر افشای اطلاعات در این زمینه‌ها داشته‌اند. در سایر ابعاد شناسایی شده، تفاوت معنی‌داری بین سطح تمرکز شاخص بر این ابعاد اطلاعاتی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود نداشته است. در نگاره (۴)، نتایج آزمون تفاوت میانگین برای ابعادی که تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد آورده شده است.

نگاره (۴): آزمون تفاوت بین تمرکز شاخص‌های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر ابعاد اطلاعاتی

Sig	F	انحراف معیار - کشورهای در حال توسعه	انحراف معیار - کشورهای توسعه یافته	میانگین تعداد مؤلفه در هر بُعد در کشورهای در حال توسعه	میانگین تعداد مؤلفه در هر بُعد در کشورهای توسعه یافته	ابعاد و گروه‌ها
۰/۰۰۵	۸/۶۲	۱/۳	۲/۶	۱/۱۳	۲/۶۸	اطلاعات در مورد اهداف و استراتژی‌ها
۰/۰۲۲	۵/۴۹	۱/۶۱	۲/۶۲	۱/۰۶	۲/۳۷	اطلاعات مربوط به جلسات هیأت مدیره و مجامع سهامداران
۰/۰۰۱	۱۳/۳۷	۲/۳۷	۴/۱۱	۱/۶	۴/۷۵	افشای درست و کامل ارقام ترازنامه
۰/۰۱	۷/۱۴	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۸۷	۱/۱۳	اطلاعات تاریخی و بحث و تجزیه و تحلیل
۰/۰۰	۱۴/۶۱	۰/۸۵	۱/۳۹	۱/۳۷	۲/۵۶	اطلاعات مربوط به هزینه‌های سرمایه‌ای و طرح‌های توسعه
۰/۰۰۳	۹/۷۷	۱/۴۱	۱/۸۶	۰/۸۷	۰/۶۹	اطلاعات مربوط به انواع ریسک و مدیریت آن
۰/۰۰۷	۷/۷۱	۴/۸۴	۴/۰۵	۳/۷۳	۲/۳۱	اطلاعات مربوط به راهبری شرکتی و مسائل نظارتی
۰/۰۲۹	۴/۹۸	۱/۳۵	۱/۴۶	۱/۹۰	۱/۰۶	اطلاعات مربوط به مسائل اخلاقی، اجتماعی و محیطی
۰/۰۳۵	۴/۶۵	۱/۷۸	۲/۸۸	۱/۱۳	۲/۳۴	اطلاعات مربوط به محیط و صنعت فعالیت

مقایسه میزان افشاء اطلاعات

در فرضیه سوم میزان افشای صورت گرفته توسط شرکت‌ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مقایسه می‌شود.

تکرار (۵): نتایج آزمون یومن- ویتنی

Sig	Z	آماره ویلکا کسون	آماره یومن ویتنی	کشورهای در حال توسعه	کشورهای توسعه یافته	
				۲۷	۲۵	تعداد
۰/۰۰۳	-۲/۹۴۷	۶۰۹	۲۰۳	۳۷/۹۷	۵۱/۹۳	میانگین میزان افشاء
				۱۰۲۵	۱۴۵۴	مجموع میزان افشاء

نتایج آزمون یومن ویتنی نشان می‌دهد بین میزان افشای گزارش شده در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تفاوت معنی دار وجود دارد. همچنین میانگین سطح افشاء در این دو گروه نشان می‌دهد میزان افشاء در کشورهای توسعه یافته به صورت معنی داری بیش از میانگین میزان افشاء در کشورهای در حال توسعه است و لذا فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

نتیجه گیری

در این تحقیق، نحوه تدوین شاخص‌های افشاء، و ابعاد اطلاعاتی آن‌ها بررسی شد. همچنین با بررسی ۶۳ مطالعه انجام شده در زمینه شاخص‌های شفافیت و افشاء طی سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۲ که بر روی شفافیت اطلاعاتی مجموعاً ۸۰۷۵ سال-شرکت در ۳۲ کشور جهان صورت گرفته، دریافته‌ایم کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه از شاخص‌های شفافیت گسترده‌تر و جامع‌تری برخوردار نیستند. بلکه بر خلاف تصور این شاخص‌ها در کشورهای در حال توسعه گسترده‌تر است. اما آنچه کشورهای توسعه یافته را در این زمینه نسبت به کشورهای در حال توسعه برتری می‌بخشد، میزان افشاء اطلاعات در این کشورها است. نتایج نشان داد میزان افشاء اطلاعات در این کشورها تفاوت معنی داری با میزان افشاء در کشورهای در حال توسعه دارد. به عبارتی گرچه شاخص‌های شفافیت و افشاء در کشورهای در حال توسعه گسترده‌تر است اما عملاً میزان افشاء در کشورهای توسعه یافته بیشتر بوده است. نتایج با یافته‌های تحقیق پاتل و دالاس (۲۰۰۲) با استفاده از شاخص شفافیت استاندارداند پورز سازگار است. نتایج آن‌ها نشان داد تفاوت زیادی در مقدار افشای شرکت‌ها در میان مناطق و کشورها و در درون مناطق و کشورها وجود دارد. آمریکا (در حالت ترکیبی) و انگلستان بالاترین حد افشای عمومی را دارند،

در حالی که در بازارهای نوظهور آمریکای لاتین و آسیا حداقل مورد انتظار توسط شرکت‌ها افشاء می‌شود.

همچنین نتایج این تحقیق نشان داد کشورهای توسعه‌یافته در زمینه افشاء اطلاعات توسط شرکت‌ها روی برخی ابعاد از جمله اطلاعات در مورد اهداف و استراتژی‌ها، هزینه‌های سرمایه‌ای و طرح‌های توسعه، محیط و صنعت فعالیت، تمرکز و توجه بیشتری صرف می‌کنند. در حالی که کشورهای در حال توسعه تمرکز بیشتری بر اطلاعات مربوط به انواع ریسک و مدیریت آن، راهبری شرکتی و مسائل نظارتی و مسائل اخلاقی، اجتماعی و محیطی دارند.

پی‌نوشت

- ۱ Transparency and disclosure index (T&D) of Standard and Poor (S&P)
- ۲ Association for Investment Management and Research (AIMR)

منابع

- الله داد، علی. (۱۳۸۸). رابطه بین شفافیت و افشا با اندازه و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی
- خالقی مقدم، حمید؛ خالقی، علیرضا. (۱۳۸۷). شفافیت شرکتی در ایران و عوامل موثر بر آن. *مطالعات حسابداری*، شماره ۲۱.
- سرپرست، علی. (۱۳۸۵). اقتصاد اطلاعات در کشورهای در حال توسعه و ایران. *مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران*
- Ahmed, K. , and Courtis, J. K. (1999) Associations between corporate characteristics and disclosure levels in annual reports: a meta-analysis, *British Accounting Review*, 31, 35° 61 .
- Akhtaruddin, M., Hossain, M. A., Hossain, M. Yao, L. (2009). Corporate Governance and Voluntary disclosure in Corporate Annual Reports of Malaysian Listed Firms. *JAMAR*, Vol. 7 · No1 .
- Aksu, M., Kosedag, A. (2005). Transparency and disclosure scores of ISE firms and their determinants. *Working paper, Sabanci University*
- Barako, D. G. (2007). Determinants of voluntary disclosures in Kenyan companies annual reports. *African Journal of Business Management* Vol. 1 (5) , 113-128

- Billings, M. , Capie, F. H. (2009). Transparency and financial reporting in mid- 20th century British banking. *Accounting Forum* 33, 38° 53
- Botosan, C. A. (1997). Disclosure level and the cost of capital. *The Accounting Rev.* 72 (3) , 323-49 .
- Bukh, P. N et. al (2005) , Disclosure of information on intellectual capital indicators in Danish IPO Prospectuses, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 18 (6) , 713-732 .
- Bushee, BJ., Noe, C. F. (2000). Corporate disclosure practices, institutional investors and stock return volatility. *J. Account. Res.* 38, 171-202 .
- Buzby, S. L. (1975). Company size, listed versus unlisted stocks, and the extent of financial disclosure, *Journal of Accounting Research*, 13 (1) , 16° 37 .
- Cahan, S. F. et al. (2005). Global diversification and corporate disclosure, *Journal of International Accounting Research*, 4 (1) , 73° 93 .
- Cerf, A. R. (1961). Corporate Reporting and Investment Decisions. *Berkely: The University of California Press* .
- Chen, C. J. P., Jaggi, B. (2000). Association between independent non-executive directors, family control and financial disclosures in Hong Kong, *Journal of Accounting and Public Policy*, 19, 285° 310 .
- Chow, C. W., Wong-Boren, A. (1987) Voluntary financial disclosure by Mexican corporations, *The Accounting Review*, 62 (3) , 533° 541 .
- Cooke, T. E. (1989). Voluntary corporate disclosure by Swedish companies, *Journal of International Financial Management and Accounting*, 2) , 171° 195 .
- Cooke, T. E. (1992). The impact of size, stock market listing and industry type on disclosure in the annual reports of Japanese listed corporations, *Accounting and Business Research*, 22 (87) , 229 237 .
- Cooke, T. E. (1993). Disclosure in Japanese Corporate Annual Reports, *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol. 20, No. 4, 521° 535 .
- Ferguson, M. J. et al. (2002). Voluntary disclosure by state-owned enterprises listed on the stock exchange of Hong Kong, *Journal of International Financial Management and Accounting*, 13 (2) , 125° 152 .
- Firer C, Meth G (1986). Information disclosure in annual reports in South Africa. *Omega*, 14 (5) , 373-382 .

- Firth, M. (1979). The impact of size, stock market listing, and auditors on voluntary disclosure in corporate annual reports, *Accounting and Business Research*, (Autumn) , 273° 280 .
- Firth, M. (1984). The extent of voluntary disclosure in corporate annual reports and its association with security risk measures, *Applied Economics*, 16 (2) , 269° 277 .
- Florini, Ann. (2002). Increasing Transparency in Government, *International Journal on World Peace* 19: 3, 3-37 .
- Giner, B. (1997). The influence of company characteristics and accounting regulation on information disclosed by Spanish firms, *The European Accounting Review*, 16 (1) , 45° 68 .
- Haniffa, R. M., Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations, *Abacus*, 38 (3) , 317° 349 .
- Healy, P. M., Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: a review of the empirical disclosure literature, *Journal of Accounting and Economics*, 31, 405° 440 .
- Healy, PM., Hutton, A., Palepu, KG., (1999). Stock performance and intermediation changes surrounding sustained increases in disclosure. *Contemporary Accounting Research* 16, 485° 520 .
- Ho, SMS., Wong, KR. (2001). A study of the relationship between corporate governance structures and the extent of voluntary disclosure. *J. Int. Account. Auditing & Taxation*, 10, 139-156 .
- Hossain, M., Reaz, M. (2007). The determinants and characteristics of voluntary disclosure by Indian banking companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 14, 274-288 .
- Hossain, M. , Perera, H. H. B. Rahman, A. R. (1995). Voluntary Disclosure in the Annual Reports of New Zealand Companies. *Journal of International Financial Management and Accounting*, Vol. 6, No. 1, 69° 85 .
- Hossain, M. , Tan, L. M. Adams, M. (1994). Voluntary Disclosure in an Emerging Capital Market: Some Empirical Evidence from Companies Listed on the Kuala Lumpur Stock Exchange. *The International Journal of Accounting*, Vol. 29, No. 3, 334° 351 .
- Jaggi, B. Low, P. Y. (2000). Impact of culture, market forces and legal system on financial disclosures, *The International Journal of Accounting*, 35 (4) , 495° 419 .

- Kaufmann, D. (2002). Governance Crossroads. *The Global Competitiveness Report 2002–2003*. World Economic Forum. New York: Oxford University Press .
- Kohler, Eric L. (1983). *Kohler's Dictionary For Accountants*. (5th ed.) Prentice-Hall, Inc .
- Lang, M. H. Lundholm, R. (1993). Cross-sectional determinants of analyst ratings of corporate disclosures, *Journal of Accounting Research*, 31 (2) , 246° 271 .
- Lang, M. H. Lundholm, R. J. (1996). Corporate disclosure policy and analyst behavior, *The Accounting Review*, 71 (4) , 467° 492 .
- Madhani, P. (2009). Role of Disclosure and Transparency in Financial Reporting *The accounting world*, 63-66 .
- Naser, K. , Nuseibeh, R. (2003). Quality of financial reporting: evidence from listed Saudi nonfinancial companies. *The International Journal of Accounting*, Vol. 38, 41-69 .
- Owusu-Ansah, S. (1998). The impact of corporate attributes on the extent of mandatory disclosure and reporting by listed companies in Zimbabwe. *Int. J. Account.* 33 (5) , 605-631 .
- Patel, S. A. Dallas, G. (2002). Transparency and Disclosure: Overview of Methodology and Study Results United States. Standard & Poor's Transparency and Disclosure, setting the standards. October 16.
- Patton, J. Zelenka, I. (1997). An empirical analysis of the determinants of the extent of disclosure in annual reports of joint stock companies in the Czech Republic, *European Accounting Review*, 6 (4) , 606° 626 .
- Raffournier, B. (1995). The determinants of voluntary financial disclosure by Swiss listed companies. *Eur. Account. Rev.* 4 (2) , 261-280 .
- Robbins, W. A. , Austin, K. R. (1986). Disclosure Quality in Government Financial Reports: An Assessment of the Appropriateness of a Compound Measure. *Journal of Accounting Research*, Vol. 24, No. 2, 412° 421 .
- Sengupta, P. (1998). Corporate disclosure quality and cost of debt. *The Accounting Review* 73 (4) , 459° 474 .
- Singhvi, S. (1968). Characteristics and implications of inadequate disclosure: a case study of India. *The International Journal of Accounting*, 3 (2) , 29° 43 .

- Singhvi, S. , Desai, H. (1971). An empirical analysis of the quality of corporate financial disclosure, *The Accounting Review*, 46 (1) , 129° 138 .
- Standard & Poor s. Patel, .. ,=Dallas, G. 2222 . Transparency and Disclosure: Overview of Methodology and Study Results United States, <http://governance.standardandpoors.com> .
- Stanga, K. G. (1976). Disclosure in published annual reports, *Financial Management*, (Winter) , 42° 52 .
- Turrent, B. Ariza, L. R. (2012). Corporate Information Transparency on the Internet by Listed Companies in Spain (IBEX35) and Mexico (IPYC). *The International Journal of Digital Accounting Research*. Vol121, 37 .
- Urquiza, F. B. et al (2010). Disclosure indices design: does it make a difference? *Spanish Accounting Review Vol. 12 - No 2* .
- Vishwanath, T. , Kaufmann, D. (1999). Towards Transparency in Finance and Governance. *World Bank* .
- Wallace, R. S. O. Naser, K. (1995). Firm-specific determinants of comprehensiveness of mandatory disclosure in the corporate annual reports of firms listed on the stock exchange of Hong Kong, *Journal of Accounting and Public Policy*, 14 (4) , 311° 368 .
- Watson, A. et al. (2002). Voluntary disclosure of accounting ratios in the UK, *British Accounting Review*, 34 (4) , 289° 313 .
- Yu, Fan. (2005). Accounting transparency and the term structure of credit spreads. *Journal of Financial Economics* 75, 53 84 .
- Zarzeski, M. T. (1996). Spontaneous harmonization effects of culture and market forces on accounting disclosure practices. *Accounting Horizons*, March, 18-38.